

ایستادگی



دانشگاه قرآن و حدیث  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پایان نامه کارشناسی ارشد  
رشته الهیات و معارف اسلامی  
گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

## موارد اختلاف احکام کافر و مسلمان در فقه جزایی اسلام (امامیه، حنفی و شافعی)

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر ربانی

دانشجو:

بزرگمهر سهرابی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

« تمام حقوق این اثر متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است »

## برگه ارزیابی پایان نامه

## تقدیم :

تقدیم به پدرم ، کوهی استوار و حامی من در طول تمام زندگی

تقدیم به مادرم ، سنگ صبوری که الفبای زندگی به من آموخت

## سپاسگزاری :

از خواننده‌ی محترم تقاضا دارم که اگر هنگام مطالعه‌ی مجموعه‌ی حاضر به مطلب مفید دسترسی پیدا نمود، حتماً آن را به حساب فقیهان و دانشمندان بزرگ و مجتهدانی بگذارد که این کمترین، از محضر و آثار آنان اخذ و بهره‌مند شده است. در همین جا لازم است از استاد و اندیشمند محترم حضرت حجه السلام و المسلمین جناب آقای دکتر ربانی که در انجام این تحقیق، بنده را راهنمایی و مورد عنایت خویش قرار داده اند نهایت تشکر و امتنان به عمل آورم.

## چکیده:

مسلمان و کافر در فقه جزایی اسلام احکام متفاوتی دارند. در فصل اول (کلیات) از نظر قرآن، صاحبان ادیان آسمانی مشمول واژه «الکتاب» میشوند هر چند معهود در اصطلاح قرآن، منظور از اهل کتاب یهود و نصاری می باشند. در فصل دوم (قصاص)، اگر مسلمانی عمدا کافری را بکشد در صورت اعتیاد کشته می شود وگرنه دیه دریافت می گردد. در فصل سوم (دیات)، مقدار دیه کافر ذمی هشت صد درهم است، اگر ذمی خطاء یا شبه العمده، مسلمانی را بکشد صرفا دیه واجب می گردد و در محل پرداخت دیه در صورت شبه العمده، دیه از مال ذمی قاتل پرداخت می شود و اگر مالی نداشته باشد، بر عهده امام مسلمانان است. در فصل چهارم (حدود) در مبحث زنا، اگر مرد ذمی با زن مسلمان زنا کند، حکم او مطلقا قتل است: البته نه به دلیل خروج او از پیمان ذمه بلکه به دلیل اطلاق نص و غیر مسلمان بودن زانی. و اگر مرد ذمی با جهل به تحریم، زن مسلمانی را عقد کند، به دلیل عموم «تدرو الحدود بالشبهات» وطی او از باب شبهه است و در هر حال عقد او باطل است. اگر مرد ذمی بعد زنا با زن مسلمان و قبل از ثبوت زنا و اجرای حکم وازروی اختیار اسلام آورد، حد از او ساقط می گردد. اگر مرد مسلمان با زن ذمیه زنا کند، حکم مسلمان با شرایط احسان و غیره اجرا می شود و در مزنی بها، حاکم اسلامی در بین اجرای حکم اسلام و ارجاع او به اهل ملت خودش مخیر است. در مبحث لواط، حد لواط مثل حد زانی است و حکم ذمی در صورت لواط مع الايقاب با مسلمان مطلقا قتل است: چه فاعل باشد و چه مفعول. و در صورت لواط مادون الايقاب مطلقا جلد است. در محث شرب خمر کافر ذمی در صورت تظاهر به شرب خمر، همانند مسلمان حد شرب خمر که برابر هشتاد ضربه شلاق است جاری می گردد.

**واژگان مهم و کلیدی:** فقه جزایی - حدود - قصاص - دیات - احکام کافر.

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
۱.۱. برخی مباحث عام مربوط به موضوع.....	۵
۱.۱.۱. مصادیق اهل کتاب.....	۶
۱.۱.۲. یهود و نصاری.....	۶
۱.۱.۴. حکم صابئان.....	۱۵
۱.۱.۵. ارتداد اهل کتاب.....	۲۸
۲. فصل دوم: قصاص.....	۳۳
۲.۱. مسئله اول: حکم مسلمانی که عمداً کافری را بکشد.....	۳۳
۲.۲. مسئله دوم: حکم مسلمانی که به کشتن کافر ذمی عادت کرده باشد.....	۴۲
۲/۳. مسئله سوم: حکم کافر ذمی که عمداً مسلمانی را بکشد.....	۵۴
۲.۴. مسئله چهارم: حکم قتل ذمی توسط مرتد و بالعکس.....	۶۲
۲.۴.۱. مقام اول؛ اگر مرتد ذمی را بکشد،.....	۶۲
۲.۴.۲. مقام دوم؛ اگر مرتد بعد از کشتن ذمی به اسلام برگردد،.....	۶۲
۲.۴.۳. مقام سوم؛ اگر ذمی، مرتد را بکشد،.....	۶۷
۲.۴.۴. مقام چهارم؛ اگر کافری، کافر دیگر را بکشد و سپس اسلام آورد،.....	۶۸
۲.۵. مسئله پنجم: حکم جراحت وارد ساختن مسلمان بر ذمی و بالعکس.....	۷۱
۲.۵.۱. مقام اول؛ اگر مسلمانی پس از وارد ساختن جراحت بر ذمی مرتد شود و سپس آن جراحت به جان او سرایت کند و بمیرد.....	۷۲
۲.۵.۲. مقام دوم؛ اگر ذمی بر مسلمان جراحتی وارد کند و مسلمان او را قصاص نماید و سپس آن جراحت به جان مسلمان سرایت کند و بمیرد،.....	۷۵
۲.۵.۳. مقام سوم؛ اگر مسلمان عمداً دست ذمی را قطع کند و سپس ذمی بعد از اسلام آوردن در اثر این جراحت بمیرد.....	۷۹
۳.۱. مسئله اول: حکم مسلمانی که عمداً کافر ذمی یا مستأمنی را بکشد.....	۸۴
۳.۱.۱. ا. حکم دیهی ذمی و ذمییه.....	۸۵
۳.۱.۲. ب. حکم دیه اعضا و جوارح ذمی و ذمییه.....	۸۵
۳.۲. مسئله ی دوم: حکم ذمی که خطاءً یا شبه العمد، مسلمانی را بکشد.....	۹۵
۴.۱. مبحث اول: زنا.....	۱۰۱
۴.۱.۱. مسئله اول: حکم زناي مرد ذمی با زن مسلمان.....	۱۰۲



- ۴.۱.۲. مسئله دوم: اگر مرد ذمی، زن مسلمان را عقد کند، آیا وطی او به زنا ملحق میشود؟..... ۱۰۴
- ۴.۱.۳. مسئله سوم: حکم مرد ذمی که بعد از زنا با زن مسلمان اسلام آورد..... ۱۰۵
- ۴.۱.۴. مسئله ی چهارم: حکم زنا ی مرد مسلمان با زن ذمیه ..... ۱۰۹
- ۴.۱.۵. مسئله ی پنجم: حکم زنا ی مرد ذمی با زن ذمیه..... ۱۱۱
- ۴.۲. مبحث دوم لواط..... ۱۱۱
- ۴.۲.۱. مسئله ی اول: حکم لواط ذمی با مسلمان..... ۱۱۳
- ۴.۲.۲. مسئله دوم: حکم لواط ذمی با مسلمان بدون ایقاب ..... ۱۱۶
- ۴.۳. مبحث سوم: شرب خمر ..... ۱۲۰
- ۴.۳.۱. مسئله: اگر کافر ذمی به شرب خمر تظاهر کند، حکمش چیست؟..... ۱۲۱
- ۴.۳.۲. تکلیف کافران به فروع در عبارت فقها ..... ۱۲۳
- خلاصه و نتیجه ی پایانی (چکیده ی مطالب)..... ۱۳۰
- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۳۴

## مقدمه

### بیان مسئله

در احکام جزایی اسلام در مواردی که جانی کافر باشد در بعضی از جنایات ها تفاوت هایی وجود دارد متفاوت از موردی که جانی مسلمان باشد و همچنین در بعضی از موارد اگر مجنی علیه کافر باشد حکم کیفری جانی مسلمان متفاوت است از جایی که مجنی علیه مسلمان باشد و از این جهت که بسیاری از این موارد مورد اختلاف فقها است حتی در فقه امامیه ، چه رسد در مقارنه با فقه بقیه ی فرق اسلامی . همچنین در ابواب قصاص ، حدود، دیات تفاوت هایی بین مسلمان و کافر وجود دارد. در این رساله با تمامی موارد اختلاف بین حکم جزایی اسلام بین مسلمان و کافر هم در صورتی که مسلمان و کافر جانی باشند و هم در صورتی که مجنی علیه باشند ادله تمام موارد را نیز بررسی می کنیم.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجا که به خاطر همزیستی مسلمانان و کفار در بسیاری از بلاد و هم چنین آمد و شد توریست ها کافر به کشور مسلمان ضروری است که تحقیق شود که اگر جنایتی توسط آنها اتفاق افتاد تعامل حاکم با آنها چگونه باشد و همچنین چه تفاوتی در کل احکام جزا با مسلمان ها وجود دارد.

## سوالات تحقیق

سوالاتی که محور اصلی این تحقیق بوده و در طول پایان نامه مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از :

سوال اصلی:

۱- در فقه جزای اسلام، کافر و مسلمان چه تفاوت های با یکدیگر دارند؟

سوالات فرعی:

۱- تفاوت کافر و مسلمان در حدود در فقه جزایی اسلام چیست؟

۲- تفاوت کافر و مسلمان در قصاص در فقه جزایی اسلام چیست؟

۳- تفاوت کافر و مسلمان در دیات در فقه جزایی اسلام چیست؟

## فرضیات تحقیق

چون این موضوع جنبه استکشافی دارد، فرضیه از پیش تعیین شده ندارد.

## پیشینه تحقیق

هر چند این موضوع به صورت پراکنده در کتب کهن فقهی وجود دارد و جوامع فقهی استدلالی و

فتوایی اجزاء و مفردات آن بحث شده است اما پایان نامه هایی در زمینه تفاوت کافر و مسلمان در

قصاص و دیات وجود دارد که از آن جمله اند:

۱- بررسی ادله موافقین و مخالفین برابری قصاص زن و مرد و مسلمان و کافر: دانشگاه قم، ۱۳۸۹

۲- بررسی برابری جنسیت و دین در قصاص نفس در حکومت اسلامی، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۸۱

۳- بررسی احکام تفاوت مسلمان و کافر در ابواب قصاص و دیات در فقه و حقوق موضوعه، دانشگاه

قم، ۱۳۸۴

۴- نقد و بررسی برابری مسلمان و غیر مسلمان از منظر فقه و قانون جدید مجازات اسلامی، دانشگاه

قم، ۱۳۹۳

همچنین مقاله ای با عنوان (بررسی یکی از تغییرات مهم در قانون مجازات اسلامی « قانون درباره ی

احکام غیر مسلمان چه می گوید» در این زمینه وجود دارد.

## فصل اول: کلیات

## ۱.۱. برخی مباحث عام مربوط به موضوع

هر چند موضوع پایان نامه حاضر درباره‌ی مطلق کافران یعنی غیر مسلمانان است ولیکن چون بحث فقهی غیر اهل کتاب روشن است و از بین اهل کتاب نیز اهل ذمه مورد ابتلا می‌باشند و متفاهم عرفی از اهل کتاب در روایات نیز همان اهل ذمه از آنان می‌باشد. فلذا عمده بررسی ما در این مجموعه بررسی موارد اختلاف احکام جزایی اسلام ما بین کافر ذمی و مسلمان است. ضمن این که دسته‌ای از اهل کتابی که با مسلمانان پیمان ذمه و همزیستی مسالمت‌آمیز ندارند و همواره مسلمانان از ناحیه آنان مورد تهدید قرار می‌گیرند، کافر حربی محسوب می‌شوند که احکام آن روشن است و به بررسی تفاوت حکم آنان با مسلمانان نیازی نمی‌باشد. بلی، غیر مسلمانان غیر اهل کتاب همانند ملحدان و غیر موحدان در صورتی که معاند نباشند و با مسلمانان عهد و پیمانی داشته باشند از آنان بر اساس آیات قرآن و به عنوان معاهد و مستامن نام برده می‌شود و در برخی موارد نیز حکم حکم اهل ذمه بر آنان بار می‌شود؛ یعنی در امان مسلمانان هستند، تا اینکه به اهل ملت خویش بپیوندند.

به تناسب اهمیت موضوع اهل کتاب در این پایان نامه، ما به بررسی مختصر درباره مصادیق اهل کتاب

می‌پردازیم.

## ۱.۱.۱. مصادیق اهل کتاب

### ۱.۱.۲. یهود و نصاری

جمیع دانشمندان اسلام اعم از شیعه و سنی قدر متیقن از اهل کتاب را یهودیان و مسیحیان می‌دانند.

در المیزان ذیل آیه شریفه ی ۱۵۳ سوره نساء می‌نویسد:

«منظور از اهل کتاب یهودیان و نصاری است؛ چون معهود در اصطلاح قرآن در امثال این موارد همین

است.»<sup>۱</sup>

و نیز ایشان در ذیل آیه ی ۲۹ سوره توبه دارد:

«از آیات بسیاری بر می‌آید که منظور از اهل کتاب، یهودی و نصاری

هستند و آیه شریفه ی إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارِيَّ وَ

الْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ....<sup>۲</sup> دلالت و یا حداقل اشاره دارد که مجوسیان نیز

اهل کتابند؛ زیرا در این آیه و سایر آیاتی که صاحبان ادیان آسمانی را می‌شمارد

در ردیف آنان و در مقابل مشرکان به شمار آمده‌اند و صابئین یک طایفه از

مجوس بوده‌اند که به دین یهود متمایل شده و دینی میان این دو برای خود

درست کرده‌اند.»

در تفسیر شریف لاهیجی ذیل آیه ۲۹ سوره توبه درباره اهل کتاب می‌نویسد:

«آن‌هایی که به حسب حقیقت به ایشان کتاب داده شده است یهود و

نصاری‌اند که توارت و انجیل برای ایشان نازل شده اما مجوس به حسب شبهه و

زعم ایشان به آن‌ها کتاب داده شده است که ایشان را پیغمبری بوده و کتابی

---

۱. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۵، ص ۲۱۱

۲. سوره حج، آیه ۱۷.

داشت، ایشان پیغمبر خود را کشتند و کتاب او را سوختند و کتابی دیگر وضع

کردند و زعم نمودند که آن کتاب الله است...»<sup>۱</sup>.

و هم ایشان در ذیل آیهی ۶۴ سورهی آل عمران، اهل کتاب را در یهود و

نصاری منحصر می‌کند، اما با استناد به روایت «سنوا بهم سنة اهل الکتاب» می-

گوید: «از این جهت اهل کتاب در شرح عبارت است از مجموع فوق ثلاثه...»<sup>۲</sup>.

و تفاسیر دیگری نظیر تفسیر سرائر، روح الجنان و روح الجنان (ابو الفتوح رازی)، مجمع البیان

(طبرسی) و غیر، آن‌ها بالاتفاق یهود و نصاری را اهل کتاب دانسته‌اند و مجوس را نیز ملحق به اهل

کتاب می‌شمارند.

شیخ طوسی در کتاب مبسوط می‌نویسد:

«کفار بر سه دسته‌اند: اهل کتاب، عبارت از یهود و نصاری هستند...»<sup>۳</sup>.

شیخ مفید در مقنعه می‌گوید:

«کسانی از کفار که بر آنان جزیه واجب است سه گروه هستند: یهودیان و مسیحیان و مجوسیان...»<sup>۴</sup>.

محقق در شرایع بیان زیر را دارد:

«جزیه از کسانی دریافت می‌شود که بر دینشان تقریر می‌شوند و آن‌ها یهودیان و مسیحیان و کسانی

که در مورد آن‌ها شبهه‌ی اهل کتاب وجود دارد: یعنی مجوسیان»<sup>۵</sup>.

ابن ادریس در کتاب سرائر چنین می‌گوید:

---

۱. لاهیجی، محمد، تفسیر شریف لاهیجی: قم، موسسه مطبوعاتی علمی، ۲۴۹/۲ و ۳۳۵/۱.

۲. همان مدرک.

۳. طوسی، محمد، المبسوط، تهران، المكتبة المرتضویه، ج ۲، ص ۹.

۴. مفید، محمد، المقنعه، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه، ص ۲۷۰.

۵. حلی، محقق، شرائع الاسلام، بیروت، دارالاضواء ج ۱، ص ۳۲۷.



«کافران بر سه گروه‌اند: اهل کتاب، یعنی یهودیان و مسیحیان...»<sup>۱</sup>.

از عالمان اهل سنت، ماوردی در کتابش چنین می‌نویسد:

«اما اهل کتاب، یهودیان و مسیحیان هستند و کتاب آن‌ها تورات و انجیل است»<sup>۲</sup>.

ابن حزم از عالمان ظاهریه می‌گوید:

«اهل کتاب که یهودیان و مسیحیان و مجوسیان هستند اگر جزیه بپردازند بر دینشان اقرار می-

گردند»<sup>۳</sup>.

ابن قدامه در مغنی می‌نویسد:

«اما اهل کتاب یهودیان و مسیحیان هستند و هر کس به دین ایشان در آمده باشد...»<sup>۴</sup>.

چون این قسمت بحث اتقاقی و اجماعی بین تمام دانشمندان شیعه و سنی است حتی یک نظر

مخالفی در این خصوص موجود نیست؛ به همین مقدار اکتفا نموده و از پرداختن به ادله آن نیز

خودداری می‌گردد.

### ۱.۱.۳. الحاق مجوس

مشهور بین فقیهان و دانشمندان اسلام، الحاق مجوسیان به اهل کتاب است، بلکه شاید بتوان بر آن

ادعای اجماع نمود. آن‌ها برای نظر خود به آیات قرآن و روایات سنت استدلال کرده‌اند. قبل از بیان

ادله نظر برخی از آنان را ذیلاً نقل می‌کنم.

شیخ طوسی در کتاب مبسوط دارد:

---

۱. ابن ادریس، محمد، السرائر، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۲، ص ۶.

۲. ماوردی، علی، الاحکام السلطانیة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۱۵۳.

۳. ابن حزم، المحلی، بیروت، دارالفکر، ج ۷، ص ۳۴۵.

۴. ابن قدامه، عبدالله، المغنی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱۰، ص ۵۵۸.

«.... و کسانی که در مورد آنها شبهه‌ی کتاب است و آنها مجوسیان هستند که حکم این گروه نیز

حکم اهل کتاب است....»<sup>۱</sup>.

وی در کتاب خلاف می‌گوید:

«مجوسیان دارای کتابی بوده‌اند که بعداً از میان رفته است، و شافعی این قول را اصلح دانسته

است....»<sup>۲</sup>.

سیده بن زهره در غنیه می‌نویسد:

«کسانی که دارای کتاب هستند، یعنی یهود، نصاری و مجوس....»<sup>۳</sup>.

علامه حلی در کتاب منتهی‌المطلب می‌نویسد:

«منظور از اهل کتاب اعم است از کسانی که حقیقتاً دارای کتاب

باشند؛ یعنی یهود و نصاری و کسانی که در موردشان شبهه‌ی کتاب وجود دارد؛

یعنی مجوسیان. از این طوایف سه گانه جزیه دریافت می‌شود بدون این که در

بین علمای اسلام در این مورد اختلاف باشد نه در گذشته و نه در حال.... و فقها

چه قدما و چه متأخران تا عصر حال به این حکم عمل کرده‌اند»<sup>۴</sup>.

در احکام السلطانیه عبارت زیر را دارد:

«جزیه از کسانی دریافت می‌شود که دارای کتاب و یا در مورد آنان شبهه‌ی وجود کتاب باشد.... و

شبهه‌ی کتاب در مجوسیان وجود دارد....»<sup>۵</sup>.

ابن قدامه در کتاب مغنی می‌گوید:

---

۱. طوسی، محمد، المبسوط، تهران، المكتبة المرتضویه، ج ۲، ص ۹.

۲. طوسی، محمد، الخلاف، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۲، ص ۵۰۹.

۳. مروارید، علی اصغر، سلسلة البنایع الفقهیه، بیروت، موسسه فقه الشیعه، ج ۹، ص ۱۵۳.

۴. حلی، حسن، منتهی‌المطلب، تهران، المكتبة المرتضویه، ج ۲، ص ۹۵۲.

۵. ماوردی، علی، الاحکام السلطانیه، ص ۱۵۳.

«از دو صنف کافر، جزیه پذیرفته می‌شود: اهل کتاب و کسانی که در موردشان شبهه‌ی کتاب است؛ صنف دوم همان مجوسیان هستند».<sup>۱</sup>

ابن قیم جوزیه در این باب می‌نویسد:

«فقیهان بر قبول جزیه از اهل کتاب و مجوس اجماع نموده‌اند، عمر بن خطاب در مورد قبول جزیه از مجوس تردید داشت تا این که عبدالرحمن بن عوف به شهادت داد که پیامبر اکرم (ص) از مجوسیان هجر قبول جزیه نموده است».<sup>۲</sup>

## ادله

کلمه «مجوس» فقط یک بار در کل قرآن و آن هم در سوره حج آیه ۱۷ آمده است: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ الصَّابِئِينَ وَ النَّصَارِيَّ وَ الْمَجُوسَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

در این آیه شریفه مجوس در ردیف سایر پیروان ادیان آسمانی و اهل کتاب و در مقابل مشرکان ذکر شده است.

در تفسیر شریف المیزان ذیل آیه‌ی فوق درباره‌ی مجوسیان می‌نویسد:

«و منظور از مجوس قوم معروفی هستند که به زرتشت گرویده،

کتاب مقدسشان «اوستا» نام دارد. تاریخ حیات زرتشت و زمان ظهور او بسیار

مبهم است. به طوری که می‌توان گفت به کلی منقطع است. این قوم کتاب

مقدس خود را در داستان استیلای اسکندر بر ایران به کلی از دست دادند، و

حتی یک نسخه از آن باقی نماند، تا آن که در زمان ملوک ساسانی مجدداً به

رشته تحریر در آمد، و به همین جهت ممکن نیست بر واقعیت مذهب ایشان

۱. ابن قدامه، عبدالله، المغنی: ج ۱۰، ص ۵۵۸.

۲. ابن قیم جوزیه، محمد، احکام اهل الذمه، بیروت، دارالعلم، چاپ سوم، ج ۱، ص ۱.

وقوف یافت. آن چه مسلم است، مجوسیان معتقدند که برای تدبیر عالم دو مبدأ است، یکی مبدأ خیر و دیگری مبدأ شر. اولی نام‌اش «یزدان» و دومی «اهریمن» و یا اولی «نور» و دومی «ظلمت» است. و نیز مسلم است که ایشان ملائکه را مقدس دانسته، بدون این که مانند بت پرستان برای آن‌ها بتی درست کنند، و به آن‌ها توسل و تقرب می‌جویند؛ و نیز مسلم است که عناصر بسیطه و مخصوصاً آتش را مقدس می‌دانند، و در قدیم الایام مجوسیان در ایران و چین و هند و غیر آن آتشکده‌های داشتند که وجود همه‌ی عالم را مستند به «اهورا مزدا» دانسته‌اند، او را ایجاد کننده‌ی همه دانستند....»<sup>۱</sup>.

و ایشان در ذیل تفسیر آیه‌ی ۲۹ سوره توبه چنان که گذشت با استناد به همین آیه مورد بحث درباره‌ی اهل کتاب بودن مجوسیان گفت:

«مجوسیان نیز اهل کتابند؛ چون در ردیف صاحبان ادیان آسمانی و در مقابل مشرکان به شمار آمده‌اند».

وی در بحث روایتی آیه‌ی مورد بحث، روایتی از کتاب توحید صدوق از علی (علیه السلام) نقل کرده است و از آن استفاده نموده که مجوسیان اهل کتاب هستند و گفته است که روایات دیگری نیز در وفقش است و در آن‌ها آمده است که مجوسیان پیامبری داشتند که او را کشتند و کتابش را سوزاندند.<sup>۲</sup> در تفسیر نمونه ذیل آیه ۱۷ سوره حج درباره مجوس چنین می‌گوید:

«واژه‌ی مجوس فقط یک بار در قرآن مجید در همین آیه مطرح

شده و با توجه به این که در برابر مشرکان و در صف ادیان آسمانی قرار گرفته‌اند

چنین بر می‌آید که آن‌ها دارای دین و کتاب و پیامبر بوده‌اند. تردیدی نیست که

۱. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۵۰۵.

۲. همان مدرک: ۵۱۱/۱۴.